


پاورقی

- 
- 
- 

**فراز و فرود حزب توده**،**فست هشتاد و چهارم**،

وظیفه جاسوسی!

در قسمت های قبل اشاره کردیم که رویکرد حزب توده، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردی محتاطانه بود. «نورالدین کیانوری» پس از رسیدن به مقام دبیرا ولی، کوشید سیاست های مورد نظر شوروی را اجرا کند. «حسین جودت» در خاطرات خود می نویسد: «آن موقع کیانوری توانسته بود تمام سازمان حزبی را تصرف کند، اینک خط مشی را هم ارائه می داد و راهی به جز سپردن سِمَت دبیرا ولی به وی نمانده بود. این کار در پلنوم شانزدهم انجام گرفت. کیانوری از فرصت استفاده کرد و هیئت دبیران را از میان همکاران نزدیک به خود، برگزید.» با این حال، «کیانوری» فقط در پی ایجاد تغییرات ظاهری نبود. او سازمان «نوید» را به عنوان شاخه مخفی حزب توده، توسعه داد و مسئولیت آن را به «محمد مهدی پرتوی» سپرد. «پرتوی» در خاطراتش می گوید: «آقای کیانوری که به ایران بازگشت، گفت در پلنوم شانزدهم حزب که در اسفندماه [همان سال] در آلمان تشکیل شد، قرار شد تشکیلات «نوید» را مخفی نگه داریم. چون هنوز وضعیت معلوم نیست.

ممکن است کودتا شود یا شرایط دیگری پیش بیاید و به همین دلیل ماهوز از فعالیت قانونی مان مطمئن نیستم. بنابراین باید قسمتی از تشکیلات، مخفی نگه داشته شود.» به جز سازمان «نوید»، گروه های مارکسیست دیگری نیز بودند که می خواستند با حزب توده همکاری کنند. این گروه ها که معمولاً تعداد اعضایشان کمتر از ۱۰ نفر بود، به دو بخش تقسیم می شدند.

تعدادی از آنها به سازمان علنی حزب توده و تعدادی نیز به سازمان مخفی این حزب پیوستند. به جز این گروه ها، افرادی مانند «به آدین»، «عبدا... خراسانی» و «آریان پور»، نیز برای پیوستن به حزب ابراز تمایل کردند. «کیانوری»، همزمان با گسترش فعالیت های حزب در ایران، با اشاره شوروی، شبکه مخفی را گسترش داد. با توجه به این که رژیم پهلوی هم پیمان غرب در منطقه محسوب می شد و از همین رو، برخی از فناوری های تسلیحاتی آنها در اختیار ایران قرار می گرفت، شوروی تمایل زیادی به کسب اطلاعات از امکانات ایران داشت. «محمد مهدی پرتوی» در خاطرات خود از این علاقه مندی، اظهار شگفتی می کند و می گوید: «شوروی ها اشتباهی سبزی ناپذیری در گرفتن این اطلاعات داشتند.

من برخی اوقات تعجب می کردم که این ها برای کسب اطلاعاتی مُصر بودند که به نظر سری هم نمی رسید. این اطلاعات حجم بالایی داشت که از آنها کپی می گرفتیم و کیانوری به من گفت این اطلاعات را به جوانشیر بد هم. جوانشیر با آنها (شوروی ها) ارتباط مستقیم داشت، ولی گفت چون من عضو علنی هستم و ممکن است در معرض خطر باشم و تحت تعقیب قرار بگیرم، مسئولیت این ارتباط را به من دادند و من چند ماهی مسئول بودم و بعد دستگیر شدم. ولی به هر حال این اطلاعات از طرق مختلف به آنان داده می شد.»

افسانه ای که دستاویز ایران هراسی می شود

# ماراتن؛ دروغ تاریخی بزرگ

**جواد نوائیان رودسری**
info@khorasannews.com

هنگامی که پیردو کوپرتن، «بارون ثروتمند فرانسوی، در سال ۱۸۹۶م (۱۲۷۵ خورشیدی)، بازی های المپیک را با شعار «سریع تر، بالاتر، قوی تر» احیا کرد و مدعی شد در پی بین المللی کردن ورزش است، کمتر کسی متوجه این مسئله شد که آنچه مد نظر «دو کوپرتن» بود، زنده کرن دوباره نام تمدن یونانی، به عنوان پدر معنوی تمدن غرب است. در سایه این دیدگاه بود که افسانه های یونانی، رنگ واقعیت تاریخی به خود گرفت و لاف های گراف مورخانی چون «هرودوت»، واقعی انگاشته شد. به این ترتیب، غربی ها کوشیدند تمدن مشرق زمین و به ویژه، تمدن ایرانی را، از فراز برج خودساخته داستان هاو افسانه هامتکوب کنند. داستان از پی داستان و افسانه از پی افسانه، از متون کهن یونانی بیرون کشیده و بسان امری غیر قابل تشکیک، پذیرفته شد؛ داستان هایی که «ماراتن» یکی از آنها بود.

■ **هرودوت و افسانه ماراتن**

ماراتن، دشتی کوچک، در کرانه های شرقی سواحل یونان است؛ منطقه ای در شمال آن که امروزه خلیج کوچک آن، با همان نام قدیمی ماراتن شناخته می شود. «هرودوت»، مورخ یونانی، در کتاب «تاریخ»، خود، به نبردی میان ایرانیان و یونانیان اشاره می کند که در این دشت کوچک روی



«نی پور» معتقد بود ماراتن افسانه ای بیش نیست



دشت ماراتن؛ جایی که یونانی ها مدعی اند بر سپاه ایران پیروز شدند.



**هانس دلبروک**
(۱۹۲۹–۱۸۴۸)

فرستاد و تعداد دیگری از آنها را نیز در ماراتن پیاده کرد. در این میان، آنتنی ها از شهر خارج شدند و به بخشی از سپاه ایران که در ماراتن پیاده شده بود، حمله کردند. «داتیس» که فرماندهی نیروهای ایرانی مستقر در ماراتن را بر عهده داشت، دستور عقب نشینی داد و همزمان، توفانی دریایی باعث واژگونی کشتی های ایرانیان شد. هرودوت مدعی است که بیش از ۶ هزار ایرانی در این نبرد کشته شده اند، در حالی که یونانیان کمتر از ۲۰۰ نفر تلفات دادند.

■ **افسانه ای که رنگ واقعیت گرفت!**

داستانی که هرودوت راوی آن بود، بعدها توسط سایر مورخان یونانی و رومی، با آب و تاب بیشتری نقل و بر آن، داستان ها و آمارهای غیر قابل قبول نیز، افزوده شد. به نوشته «کرنلیوس»، عده پیاده نظام ایران در این جنگ ۲۰۰ هزار نفر بود که به این عده، ۱۰ هزار سواره نظام نیز اضافه شد. مورخ دیگری به نام «یوستینوس»، تعداد کل نیروهای ایران را در این جنگ، ۶۰۰ هزار نفر ذکر کرده است. درآموزه های غربی، افسانه ماراتن، مهم ترین نبرد تاریخ باستان، بین شرق و غرب معرفی می شود. حال آن که، در متون تاریخی آنها، کمتر به پیروزی ایرانیان بر رومیان در حرّان در دوره اشکانی یا فتح آتن توسط سپاهیان خشایارشا، مانند بعد از عقب نشینی «داتیس» و «آرتافرن»، اشاره شده است. این رویکرد را می توان حتی در متون به ظاهر بی طرفانه تاریخی غربی هانیز مشاهده کرد. «آلبر ماله» و «ژول ایزاک»، در کتاب «تاریخ ملل شرق و یونان»، بیش از ۳ صفحه را به شرح افسانه ماراتن اختصاص داده اند، حال آن که، در این کتاب، اثری از پیروزی های ایرانیان نیست. نگاه پژوهشگران غربی به افسانه ماراتن، آن قدر متعصبانه است که حتی «ویل دورانت»، نویسنده اثر سترگ «تاریخ تمدن»، در جلد ششم کتاب خود، ضمن تشریح ماجرای تاریخی فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح، می نویسد: «سلطان محمد فاتح با تصرف قسطنطنیه (استانبول فعلی) نه تنها انتقام جنگ های صلیبی، بلکه انتقام نبردماراتن را هم بازستاند. بعدها، پیردو کوپرتن، بر اساس همین داستان، مسابقه دوی ماراتن را برای بازی های المپیک طراحی کرد؛ مسابقه ای که طبق تصور غربی ها، یادبود پیروزی یونانیان بر ایرانیان است.

■ **دلایلی که دروغ را آشکار می کند**

افسانه ماراتن، نه تنها در دوران معاصر، که در دوران باستان نیز مورد تشکیک بسیاری از مورخان بوده است. هرودوت، راوی این افسانه، از سوی مورخانی مانند «پلوتارک»، به

**خراسان** روزنامه‌مسح‌ایران سه‌شنبه‌اول‌دی۱۳۹۴. ۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۷. شماره ۱۹۱۴۸

مورخ‌وسیاستمدار آلمانی‌و استاد تاریخ دانشگاه برلین بود. وی در جریان کنفرانس صلح پاریس، پس از جنگ جهانی اول، نماینده آلمان برای امضای قرارداد تسلیم این کشور بود. دلبروک کار مورخانی است که به مطالعات تاریخی، به صورت میدانی، علاقه فراوانی داشت. او افسانه ماراتن را صرفاً یک ادعای می‌دانست و معتقد بود یونانیان این داستان را جعل کرده اند.



کرد که این گفته ها، همه از یونانی هاست و گرافه گویی و لاف زنی آنها نیز مسلم است. «مدت ها بعد از ناپلئون و نی پور»، «هانس دلبروک»، مورخ معروف آلمانی، درباره افسانه ماراتن تحقیقی جامع و میدانی انجام داد. دلبروک در یادداشت هایش نوشت: «دشت ماراتن به اندازه ای کوچک است که نزدیک به ۵۰ سال پیش، یک افسر ستاد ارتش آلمان، هنگامی که از آنجا بازدید کرد، با شگفتی نوشت که این دشت برای یک تیپ آلمانی هم جای کافی به منظور انجام تمرینات ندارد.» با این حال، غربی ها ترجیح می دهند این افسانه را واقعیتی انکار ناپذیر بدانند.

■ **سوءاستفاده از یک افسانه**

در همین زمینه، مرحوم «مرتضی ثاقب فر»، پژوهشگر و مورخ معاصر، می نویسد: «این بزرگنمایی ها در زمان خودش کاربرد داشته است، یعنی هرودوت، با این کار تلاش کرده برای ملتش تاریخ بسازد و برای هم میهنانش غرور.» او می افزاید: «از میان همه تمدن های کهنی که در خاورمیانه وجود داشته، تنها ایران پایدارجامانده است. ایران، تمدنی است که همه هجوم های تاریخی را کنار دده و هنوز هم زنده است ... به گمان من، غربی ها از همین می ترسند و جنگ هایی چون ماراتن و سالامیس، چیزی جز یک دستاویز، برای آنها نیست.» واقعیت آن است که در سال های اخیر، افسانه ماراتن به دستاویزی برای دامن زدن به ایران هراسی و تحقیر ایرانیان تبدیل شده است. این رویکرد، به ویژه در سینمای غرب، آشکارا جریان دارد. فیلم هایی مانند «اسکندر»، و «۳۰۰»، تأییدکننده این مشی ضدایرانی است.

## جناب آقای دکتر فیروزی

**معاونت محترم توانبخشی بهزیستی کل خراسان رضوی**

انتصاب شایسته حضرت عالی را تبریک عرض نموده و موفقیت روزافزون شما را در

تحقق اهداف مقدس آن سازمان از درگاه ایزد منان خواستاریم

**موسسه معلولین امام جواد (ع) بافقی زاده**  
**مرکز بیماران روانی زمزم نامن- دکتر فردانیان**  
**موسسه امن عاطف مشهد- شیخ الاسلامی**

**جناب آقایان:**

## توحیدی مقدم، دکتر خدای، دکتر فیروزی وقیصری

انتصاب مدیرانه شما عزیزان را در سمت

**معاونت های تخصصی بهزیستی استان**

**و مدیریت اداره بهزیستی شهر مقدس مشهد**

**از سوی مدیرکل محترم بهزیستی استان**

**جناب آقای دکتر پوریوسف**

تهنیت عرض نموده، توفیقات روزافزون تان را در راستای خدمت به جامعه هدف سازمان بهزیستی از خداوند منان خواستاریم.

**هیئت مدیره و مدیرعامل موسسه خیریه توانبخشی همدم فتح المبین**

**خراسان**

**آرامگاه**

**جامع ترین و بروزترین بانک اطلاعاتی**

**رهن و اجاره املاک شهر مشهد**

**ویژه مشاورین محترم املاک**

۳۷۲۴۱۷۳۱ - ۳۷۲۳۵۵۶۵

۳۷۲۴۳۷۸۳ - ۳۷۲۳۸۱۵۱